

DIDAR Art Gallery



بیاتا گندم یک دانه باشیم

A BODY MADE OF GRAIN

The midnight repast and celestial oil

نمایشگاه انفرادی «بیا تا گندم یک دانه باشیم»

کیوریتور: شیدا قماشچی
هنرمند: فاطمه کاظمی

همکار فنی صدا و تصویر: شرزین حاجیلو
همکار طراح فضا: عرفان عقیقی
ویدیو مپینگ: سهند لواسانی
پوستر: سیاوش تصاعدیان
۲۷ شهریور تا ۱۷ مهر ۱۴۰۵

ساعات بازدید شنبه تا چهارشنبه و جمعه‌ها ۱۶-۲۰
گالری روزهای پنجشنبه تعطیل است.

آدرس: میدان هفت تیر، خیابان مفتاح جنوبی، قبل از طالقانی، کوچه مبینی، شماره ۵۰.
تلفن: ۸۶۰۷۴۰۳۷-۸۸۳۰۱۷۰۲

بیا تا گندم یک دانه باشیم

اگر پرسند که پیر خبازان کیست؟
بگو: پیر اول آدم است که چون از بهشت به زمین آمد، گندم بکاشت و درو کرد. اما پیر دوم که نان پخت، ابراهیم است که برای مهمانان نان و نمک پخت و سفره گسترد.
اگر پرسند که خمیرمایه را از کجا آوردند؟
بگو: از بهشت آوردند و آن برکت حق است؛ پس هر که به خمیرمایه بی احترامی کند، برکت از دکان او برود.
اگر پرسند که آداب دست زدن به آرد و خمیر چیست؟
بگو: چهار چیز است؛ اول آنکه پاکیزه باشد، دوم آنکه حق را بخواند، سوم آنکه به چشم نعمت به آن نگرد، نه به چشم کالا، چهارم آنکه چانه‌ها را یکسان بگیرد و در حق خلق کمی نکند.
اگر پرسند که حکمت تنور چیست و چرا نان در آتش پخته شود؟
بگو: حکمت آن است که تا انسان در آتش ریاضت و سختی روزگار پخته نشود، عامه‌ی خلق را از او فایده‌ای نرسد؛ همان‌گونه که گندم تا آرد نشود و آرد تا خمیر نگردد و خمیر تا در آتش تنور نسوزد، شایسته‌ی سفره‌ی دوستی نشود.
اما اگر دوباره پرسند، این بار از نان بپرسند، شاید پاسخ در خود فرایند باشد: گندم از زمین می‌آید، آرد از آسیاب، خمیر از دست و خمیرمایه از چیزی که پیش‌تر مانده است. هر مرحله چیزی را از مرحله‌ی پیشین می‌گیرد و چیزی دیگر به آن می‌افزاید. هیچ‌کس نان را به تنهایی نمی‌پزد. نان پیش از آنکه بر سفره قرار بگیرد، از میان زمین، آب، کار، زمان، دست و آتش گذشته است.

این نمایشگاه از دل تأملی بر شیوه‌های زیستن، گرد هم آمدن، کاشت محصول، مراقبت و شکل‌های جمعی خیال‌پردازی پدید آمده است.

فروپاشی‌های زیست‌محیطی، جنگ، جابه‌جایی‌ها و ناپایداری‌ها، نه به صورت رخدادهایی موضعی و گذرا بلکه به عنوان وضعیتی پیوسته و قابل پیش‌بینی در زندگی روزمره رسوخ کرده‌اند. در چنین شرایطی، این پروژه به این پرسش مهم می‌پردازد که چگونه می‌توان در این وضعیت نه تنها دوام آورد، بلکه فضاهایی برای هم‌زیستی، مراقبت و تولید معنا به صورت جمعی ایجاد کرد. فضاهایی که متناسب با این دوران، خود نیز از جنس «ثبات» نیستند، بلکه از جنس شکل‌گیری موقت، تغییر و انطباق‌اند.

هنرمند در مسیر تولید این نمایشگاه از تحقیق روش‌مند، مشاهده و پرسه، جمع‌آوری تصویر، ضبط صدا و گفت‌وگو با افراد در جغرافیایی گسترده، استفاده کرده است. در این مسیر، امر «دیدن» همواره با حرکت و بدن گره خورده است.

این پروژه به انواعی از سازوکارهای تبادل دانش توجه دارد که در بیرون از آرشیوهای رسمی شکل می‌گیرند و در دل کنش‌های روزمره باقی می‌مانند. میزبانی، کشت بذر، نگهداری، روایت کردن و مراقبت از همدیگر و زمین، کلیدواژه‌های نمایشگاه هستند. مفاهیمی که در مواجهه با خشکسالی، استخراج منابع، جنگ، مهاجرت و دگرگونی‌های محیطی پیوسته خود را بازآرایی می‌کنند و با هر بار تکرار، شکل دیگری از بقا و تداوم را ممکن می‌سازند.

در این چیدمان فضای گالری «دیدار» با استفاده از پرده‌ها، سطوح پارچه‌ای، نور، صدا و تصاویر متحرک به وضعیتی میان‌خانه، پناهگاه، محل ملاقات و فضای هم‌نشینی جمعی تبدیل شده است. فضایی که در آن تماشا، استراحت، گفت‌وگو و بودن در کنار یکدیگر به عنوان بخشی از خود آن تجربه می‌شوند.

تصاویر متحرک در این چیدمان به شکل تکه‌هایی پراکنده در فضا جریان دارند تا یک کل منسجم و خطی. تصاویر دیجیتالی، صداهای محیطی، نوشته‌ها و مواد گردآوری شده، شبکه‌ای از ارتباطات ناپایدار میان زمان‌ها، مکان‌ها و تجربه‌های متفاوت را پدید می‌آورند. آثار به نمایش درآمده، از خلال تکرار، غیاب، انتظار و بازگشت تجربه می‌شوند.

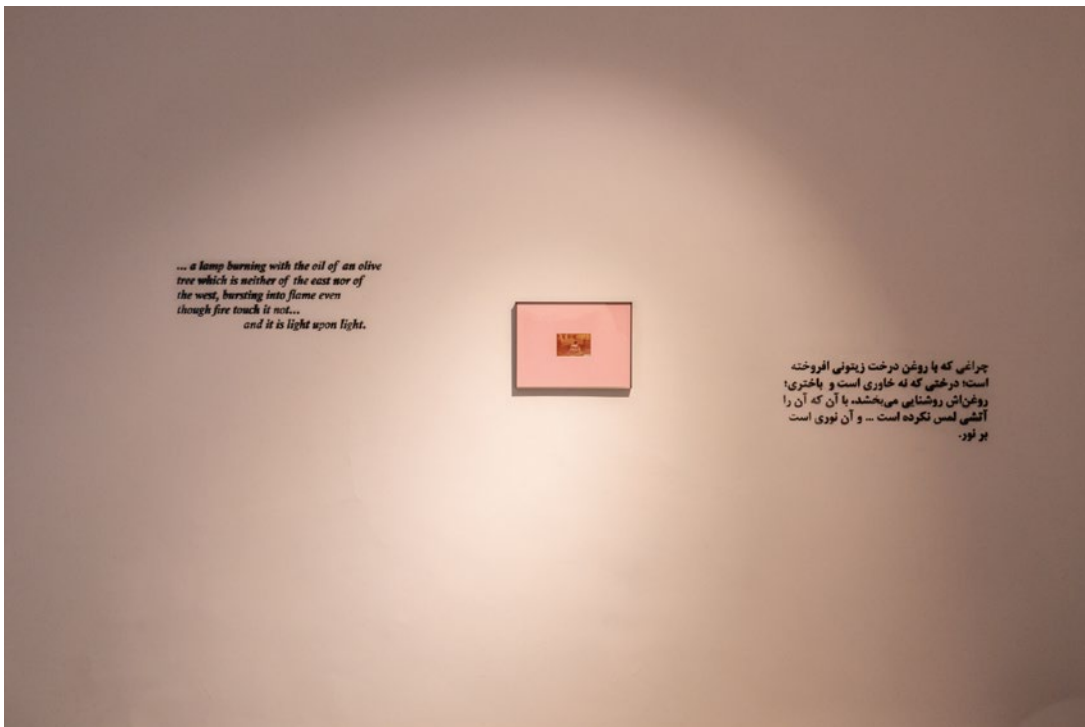
هنرمند در طول برگزاری نمایشگاه، میزبان روایت‌های جمعی خواهد بود. مراقبت و نگهداری از این دانشی روایی جمعی، به بخشی از اثر نهایی تبدیل می‌شود.

نمایشگاه «بیا تا گندم یک دانه باشیم» به این امکان فکر می‌کند که چگونه می‌توان در دل وضعیت‌های ناپایدار، فضاهایی موقت اما معنادار ساخت. فضاهایی که نه بر پایه‌ی ثبات، بلکه بر تغییر، مراقبت و حضور جمعی استوارند.

این چیدمان، اثری مکان محور است که در نسبت مستقیم با معماری، مقیاس و شرایط مادی فضای نمایش شکل گرفته است. تمامی اجزای اثر در طول سه هفته حضور و کار در محل ساخته، پرداخته، مونتاژ یا با فضای موجود تطبیق داده شده‌اند. ویدئو، پارچه، اشیای دست ساز، مواد آرشیوی و مداخلات معماری در کنار یکدیگر مجموعه‌ای را شکل می‌دهند که جایگاه، مقیاس و رابطه‌ی هر جزء با دیگری از ویژگی‌های خود فضا تبعیت می‌کند.



عدو شود سبب خیر
ویدئو، نمایشگر، تخته سه لایی
۵ دقیقه، پخش حلقه‌ای
۲۰۲۶



بدون عنوان
تصویر قاب شده از آسیاب دستی گندم
از آرشیو شخصی هنرمند

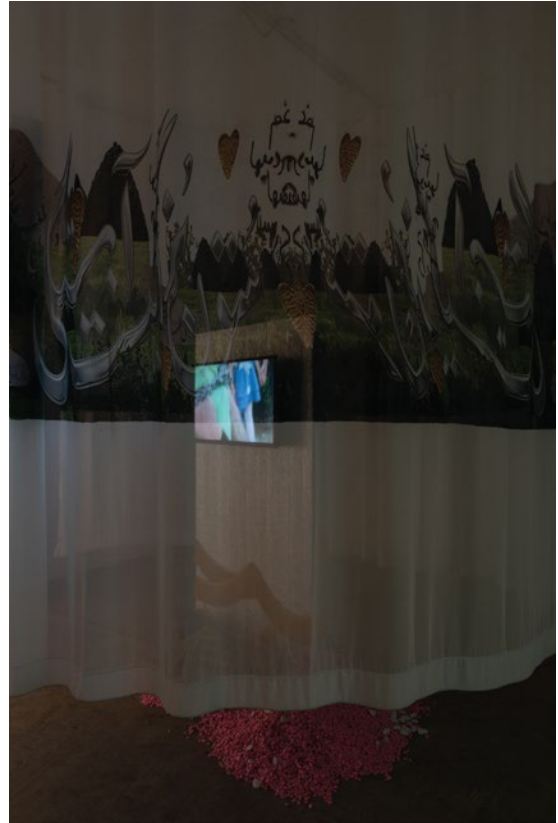


مرغ گریان
بالشتک مخملی، منجوق دوزی دستی
۸۰ × ۸۰ سانتی متر
۲۰۲۵

ریال
بالشتک مخملی، منجوق دوزی دستی
۸۰ × ۸۰ سانتی متر
۲۰۲۵



بدون عنوان
ویدئو، ۳ دقیقه
ویدئو مپینگ: سه‌ند لواسانی
۲۰۲۶



آشور و معركة گير
 ويدئو، دوسويه، پرده ي حرير با چاپ دييجيتال
 ۵ دقيقه و ۵۵ ثانيه، پخش حلقه اي
 ارتفاع پرده: ۳ متر
 محيط: ۱۷ متر
 ويدئو: فاطمه كاظمي
 تدوين: شرزين حاجيلو





To live in a fragmented world is to inhabit the threshold of collective memory, sensory displacement, and the radical necessity of care. The Celestial Oil is an exhibition that positions the gallery as a liminal chamber—a space suspended "between waking and sleeping".

Fateme Kazemi's exhibition operates as a living laboratory, mapping how history is not merely recorded, but felt, tasted, and shared. To lose sight of the North means no longer to be able to distinguish between light and shadow".

Through an experimental fusion of video art, texts, and installation, Kazemi collapses the distance between personal biography and collective inheritance.

By assembling data, original footage, and found archives, she borrows the "familiar and strange tastes" of faraway childhood memories, transforming the gallery into a site of intersecting emotions where sadness and happiness do not compete, but coalesce.

This exhibition is an invitation to cross the threshold from passive observation to active dialogue, proving that our most intimate recollections are the very materials needed to bind us together.

Drawing on the concept of the, the program creates an agonistic public space where diverse perspectives coexist, and urban conflicts become opportunities for dialogue, reflection, and collective imagination.

Moving between questions of collective stewardship, ecological interdependence, plant agency, exclusion, care, and imagination, the exhibition seeks to rethink the craftsmanship of resistance beyond familiar binaries such as nature and culture, human and nonhuman, wildness and cultivation.

Rethinking the binaries, This exhibition is an attempt to view our relational space as a "crossroads" for emancipatory struggles.

The works in this exhibition do not stand as static monuments to the past, nor do they remain confined within gallery walls. Instead, they demand an active, sensory engagement with our present, extending directly into the city's changing urban ecology.

Through Observation Gatherings, community workshops, poetry readings, sharing libraries, and communal cooking sessions, the project swaps a distant viewpoint for deeply grounded, practical care.

Within this framework, Ecological Grief invites participants to challenge human-centered perspectives. Here, the acts of chopping, seasoning, listening, performing, and remembering become radical methods of mutual sustenance.

As you step away from these installations and return to the street, the grid, and your own domestic spaces, the ethos of this environment goes with us. It challenges us to look at our everyday rituals—the flavors we carry, the stories we whisper, and the gardens we cultivate—not as isolated, private habits, but as shared cultural ground.

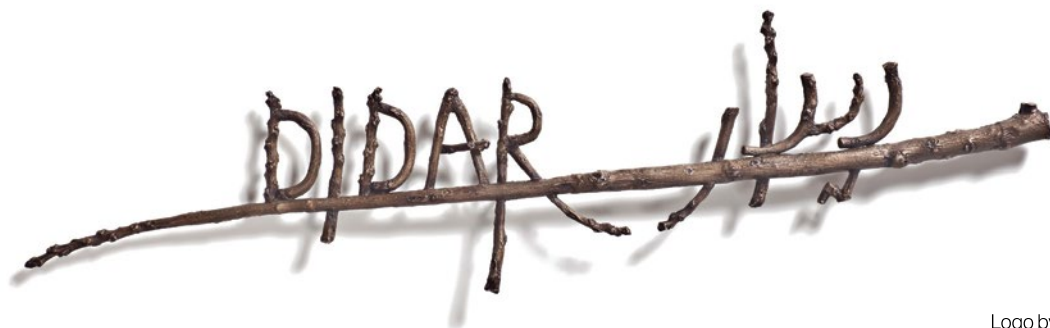
In a cultural landscape that often isolates the individual from the community, Kazemi and her cohort of creative collaborators remind us that the work of building a supportive world begins at the table and in the soil. The archive is open, the garden is activated, and the collective history is ours to flavor together.

Sheida Ghomashchi
Summer 2026

A BODY MADE OF GRAIN

The midnight repast and celestial oil

In his In a dream, or rather in a state intermediate between waking and sleeping, the totality of creatures is revealed to Ruzbehan of Shiraz as though they were assembled within a house; there are many lamps which give off a bright light, but a wall prevents him from reaching them. Then he mounts to the terrace of the house which is his own dwelling place; there he finds two Sufi shaykhs and in whom he recognizes his own image. Together the three partake of a kind of mystical repast, consisting of pure wheat bread and oil so subtle that it was like a pure spiritual substance. Subsequently, one of the two shaykhs asks Ruzbehan if he knows what this substance was. The shaykh informs him that it was



Logo by
Hossein Valamanesh,
2019.

***Solo Exhibition “A Body Made of Grain“
The midnight repast and celestial oil***

***Artist: Fatemeh Kazemi
Curator: Sheida Ghomashchi***

***Technical Sound & Video Collaborator: Sharzin Hajilou
Spatial Design Collaborator: Erfan Aghighi
Projection Mapping: Sahand Lavasani
Poster design: Siavash Tasaodian
18 Sep-9 Oct 2026***

***Didar Art Gallery
Visiting Hours: sat-wed and Fridays : 16-20
Didar art gallery is closed on Thursdays.
No 10, Mobini st, South mofatteh St, Hafte-e-tir Square,
Tehran, Iran***